ایران سیاری
■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۶۳ ■ سه شنبه ■ ۲۱ بهمن ۱۳۹۹ ■ ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۴۲ ■ 9 Feb 2021
ویژه نامه چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

۱

روایت عماد افروغ از رابطه عدالت و اخلاق در گفتمان انقلاب اسلامی
پاشنه آشیل فضیلت‌مندی

مصطفی هاشمی طبا از نقاط قوت و آسیب های مترتب بر انقلاب اسلامی می گوید
ضرورت قوی بودن از ایران باستان تا ایران امروز

کارشناسان و صاحبنظران از دستاوردها، آسیب‌ها و مسیر پیشروی انقلاب می گویند

راه طی شده

همراه با یادداشت‌ها و گفتارهایی از سیدهادی خامنه‌ای، محسن هاشمی، سیدمصطفی هاشمی طبا، عماد افروغ، مهدی چمران، یحیی فوزی، حسین ایمانی جاجرمی، تقی آزاد ارمکی، سعید معیدفر، غلامرضا ظریفیان، اصغر مهاجری، محمد مهدی لبیبی، حمزه نوذری، محمد سالاری، فهیمه نظری، محمد زینالی اُناری، محسن رهامی، سیدسجاد ایزدهی، محمد علی شریف النسب

یادداشت

آسیب‌شناسی برای کاهش آسیب‌پذیری

محسن هاشمی رفسنجانی
رئیس شورای شهر تهران

در آستانه سده چهاردهم قرار داریم و انقلاب اسلامی ۴ دهه از دوران تثبیت خود را سپری کرده است. اگر بخواهیم با معیارهای مختلف، در صنعت، رفاه، ارتباطات، سلامت، قدرت دفاعی، فناوری، توانمندی علمی و... وضعیت امروز جامعه را با سال‌های قبل از انقلاب مقایسه کنیم؛ در شاخص‌های فراوانی شاهد پیشرفت قابل توجه خواهیم بود. البته این پیشرفت اختصاص به ایران ندارد و در بسیاری از کشورهای جهان و منطقه نیز رخ داده است اما جوامع زیادی نیز همچنان با مشکلات بیش از ما دست به گریبان‌اند. بنابراین نمی‌توان و نباید هم‌راستا با سیاه‌نمایی که توسط رسانه‌های بیگانه یا محافل خاصی در کشور صورت می‌گیرد، انقلاب اسلامی را بدون دستاورد یا با دستاوردهای ناچیز معرفی کرد و حاصل انقلاب را برای ایران نادیده انگاشت. در جهت مقابل نیز نمی‌توان همچون برخی دستگاه‌ها و مسئولین که کاستی‌ها را نادیده می‌گیرند و مشکلات را فرافکنی می‌کنند تا به گمان خود از انقلاب دفاع کنند؛ سفیدنمایی کرد. واقع‌نگری و عمل‌گرایی ایجاب می‌کند که با آسیب‌شناسی وضعیت امروز جامعه و عملکرد مسئولان به‌سوی کاهش آسیب‌ها گام برداریم و تاب‌آوری انقلاب و ایران را در برابر تهدیدات افزایش دهیم. بر این اساس و در این فرصت کوتاه به دو آسیب مهم، اشاره می‌کنم:

آسیب نخست در عدم تناسب شعارها و اهداف انقلاب با واقعیات و محدودیت‌ها و الزامات کشور است. هر کشوری در جهان، قدرت ملی، منابع و امکانات محدود و مشخصی دارد و اگر اهداف و راهبرد خود را واقع‌گرایانه و مطابق این اهداف تعیین نکند، طبعاً نه تنها قادر به تحقق آن اهداف آرمانی نخواهد بود بلکه با مصرف منابع و افزایش هزینه‌ها شاهد افت و کاهش قدرت ملی خواهد بود. این قاعده مختص ایران و جامعه ما نیست بلکه شامل هر کشور و سرزمینی در جهان می‌شود. یکی از آسیب‌هایی که در انقلاب اسلامی شاهد آن بودیم، آرمانگرایی برخی از شخصیت‌ها و مسئولان بود که موجب می‌گردید تا از واقع‌گرایی فاصله بگیرند و منابع کشور را در اولویت‌ها مصرف نکنند. نمونه‌ای از این موضوع مخالفت دلواپسان وقت از دو جناح چپ و راست با احداث مترو در اوایل انقلاب بود که می‌گفتند مترو کالایی لوکس است و باید بودجه مترو صرف توسعه روستاها شود و عملاً چندین سال فعالیت مترو را متوقف کردند. در نهایت هم با تلاش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خواندن خطبه مترو در نماز جمعه تهران و همچنین حضور یافتن ایشان در جلسه هیأت دولت، ساخت مترو در سال ۱۳۶۵ بدون بودجه دولت تصویب شد. تسخیر سفارت عربستان توسط نیروهای انقلابی و دلواپس در اعتراض به اعدام شیخ نمر نمونه‌ای دیگر این مسأله بود که با انتقاد و تذکر جدی رهبر انقلاب مواجه شد. در مجموع می‌توان گفت آرمانگرایی که صفتی مثبت و مورد نیاز برای جوانان پرشور در تفکر و رشد است، نباید با واقع‌گرایی در صحنه عمل و توسط دستگاه‌های مسئول تزاحم و تناقض پیدا کند؛ چراکه این تناقض موجب تضعیف همان آرمان‌ها نیز خواهد شد. نکته دوم، اعتقاد به مردم‌سالاری و پذیرش پیامدهای آن است. از ابتدای انقلاب، یکی از چالش‌ها تفاوت فرد مطلوب برخی از افراد با فرد مقبول جامعه بود. چالشی که در انتخاب سه رئیس جمهور یعنی شهید رجایی، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رخ نداد، اما در سایر دوره‌های ریاست جمهوری کم و بیش شاهد آن بودیم. نگاه آیت‌الله هاشمی به این موضوع انتخاب بر اساس مردم‌سالاری بود. ایشان بارها در جلسات خصوصی و سخنان رسمی و غیررسمی این بحث را طرح کردند که نظام باید بین مشارکت بالا و پیروزی گزینه مطلوب در صندوق‌های رأی یک گزینه را انتخاب کند. اگر بر گزینه مطلوب اصرار داریم نباید به‌دنبال مشارکت بالا باشیم چراکه مشارکت بالا وقتی شکل می‌گیرد که برنده انتخابات از پیش معلوم نباشد و گروه‌هایی از جامعه بخواهند که سلیقه متفاوتی در مدیریت حاکم شود. در مقاطع حساسی نظیر انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، رهبر انقلاب بین این دو گزینه، مشارکت بالا و انتخابات پرشور را برگزیده است و نتیجه آن را در تقویت ارکان و تعمیق ریشه‌های نظام در جامعه مشاهده کرده‌ایم. اما باز هم گروه‌هایی هستند که به‌دنبال گزینه مطلوب و لو به قیمت انتخابات سرد و با مشارکت پایین نظیر انتخابات اخیر مجلس هستند که طبیعتاً در این شرایط که امریکا به‌عنوان حریف اول جمهوری اسلامی در جهان، پرشورترین انتخابات تاریخ خود را پشت سر گذاشته است، برگزاری سردترین انتخابات ریاست جمهوری تاریخ انقلاب، می‌تواند پیامدهای منفی در قدرت ملی ایران در برابر امریکا داشته باشد و از این رو تداوم راهبرد رهبر انقلاب مبنی بر برگزاری انتخابات پرشور ریاست جمهوری باید از سوی مسئولان مربوطه مدنظر قرار گیرد.

یادداشت

آرمان‌های انقلاب و مطالبات نسل جدید

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای
دبیرکل مجمع نیروهای خط امام(ره)

۱ شکاف بین‌نسلی از موضوعات مهمی است که متخصصان علوم اجتماعی و روانشناسی و علوم‌تربیتی همواره به آن توجه داشته‌اند. این انتظار که نسل جدید به پدیده‌های تاریخی مانند کسانی بنگرد که خود در زمان وقوع آن حضور داشته‌اند، امری محال و ناشدنی است. زیرا جهان زیسته انسان‌ها و تغییرات فرهنگی و اجتماعی در طول زمان، تأثیر عمیقی بر نگاه و قضاوت افراد خواهد داشت. امام علی(ع) در این زمینه فرمود: لا تقسروا اولادکم علی آدابکم، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ یعنی «فرزندانتان را به اخلاق (فرهنگ) خودتان مقید نکنید؛ زیرا آنان در زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.»

۲ امروز یکی از پرسش‌های مشترک بسیاری از نخبگان و کارشناسان این است که ارزش‌های سیاسی و مذهبی برآمده از انقلاب اسلامی چگونه باید به نسل چهارم انقلاب منتقل شود و برای وفاداری و التزام آنان چه باید کرد؟ بدیهی است پیش از هر اقدامی باید نخست تعریفی روشن و به دور از تعصبات جناحی و منافع گروهی از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ارائه داد و ثانیاً شناختی واقعی و نه متوهمانه از نسل چهارم به دست آورد. متأسفانه جامعه ما امروز در هر دو بخش گرفتار انواع نگاه‌های سلیقه‌ای و غیرواقع‌بینانه است. نسل چهارم انقلاب در دورانی پرورش و آموزش دیده است که کشور از فضای حماسی و شورانگیز سال‌های نخست انقلاب دور شده و شاهد فضایی چند قطبی و بعضاً واگرا و دافعه برانگیز در برخی حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است. عدم دسترسی عادلانه به امکانات، وجود تبعیض در توزیع فرصت‌ها، نابرابری در کسب امکانات، تنش‌های اجتماعی که مستقیم و غیرمستقیم ریشه در نابرابری و بی‌عدالتی اقتصادی دارد، تناقض‌های آشکار میان شعارهای رسمی و روندهای جاری در جامعه، وجود رابطه عکس در میزان تلاش و بهره‌مندی، تفاوت بین بخشی از الگوهای رسمی زیست اجتماعی و الگوهای مورد نظر نسل جدید، موجب می‌شود نسل جدید مسلط به برداشت‌های عمومی و دریافت‌های شخصی از جامعه، به ادراک و استنباطی دست یابد که او را ناگزیر به موضع‌گیری و گاهی واکنش می‌کند. اگر این ویژگی‌های نسل چهارم را در بستر تحولات و دگرگونی‌هایی که تمام عرصه‌های زیست فردی، خانوادگی و جمعی انسان امروز را فارغ از جغرافیای سکونتش در بر گرفته است، همزمان و به دور از بخشی‌نگری‌ها و تمایلات شخصی، گروهی و جناحی مورد ارزیابی و بررسی قرار دهیم، به نتایجی دست خواهیم یافت که در شناخت نسل چهارم و نزدیک شدن به آن مؤثر خواهد بود.

۳ انقلاب اسلامی ایران به‌دلیل ویژگی‌های بسیار و ابعاد کاملاً منحصر به فرد، از مصادیق دقیق «انقلاب» است که دگرگونی‌های اساسی آن، جامعه را به دو دوران عمیقاً متفاوت تقسیم نمود. بروز وقایعی همچون جنگ تحمیلی و اقدامات نیروهای سیاسی برانداز در ابتدای انقلاب، این تحولات را دچار عمق بیشتر نمود و در عین حال به کمرنگ شدن بخشی از مطالبات اصلی انقلاب منجر شد؛ به‌عنوان نمونه جنگ تحمیلی و ظلم نسبتاً یکپارچه بین‌المللی علیه ایران و به‌طور مشخص انقلاب بزرگ و اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره)، بخش بزرگی از خواسته‌های نسل انقلاب در ایجاد تعادل و برابری در دسترسی به عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و کوشش برای تمرکززدایی در فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرا را دچار تأخیر طولانی نمود؛ تأخیری که برای نسل انقلاب قابل فهم و توجیه بود؛ اما پس از سال‌های طولانی، امروز نسل چهارم در مواجهه با همان خواسته‌ها با تفاسیر سلیقه‌ای و بعضاً نامأنوس و توجیهات خودمعیارپندارانه شخصی، گروهی و جناحی مواجه شده است.

۴ پرداختن به مصادیق این وضعیت از حوصله یک یادداشت کوتاه خارج است؛ اما باید باور کنیم گام نخست در تعامل با نسل چهارم انقلاب که از هوش و سواد و دقت و آینده‌نگری فراوانی برخوردار است، ابتدا شناخت درست آن و به رسمیت شناختن مطالباتش و در گام بعدی پذیرش اشتباهات و بازگشت منصفانه و به دور از تعصب سیاسی و جناحی به آرمان‌های انقلاب و عهد دیرین با مردم و اصلاح خطاهاست. شاید از این رهیافت بتوان تا اندازه‌ای به ترمیم شکاف بین‌نسلی کمک نمود.

یادداشت

توان بالقوه جهش علمی، بالفعل شد

مهدی چمران
فعال سیاسی اصولگرا

اولین دستاوردی که انقلاب اسلامی برای کشور ایران در پی داشت مبتنی بر شعارهای انقلابیون «استقلال و آزادی» به معنای واقعی کلمه بود. البته مشخص است که آزادی ای که با انقلاب اسلامی تحقق یافت، آزادی به معنای بی‌بند و باری نبود، بلکه آنچه در دنیا به‌عنوان آزادی سیاسی مطرح است و استقلال هم به‌معنای استقلال عملی بود و نه استقلال ظاهری که در برخی کشورها شاهد آن هستیم؛ کشورهایی که ظاهراً استقلال دارند اما عالی‌ترین مقام سیاسی‌شان نمی‌داند که آیا فردا هم امریکایی‌ها اجازه خواهند داد که او بر مسند باشد یا تغییرش خواهند داد و به همین دلیل این حق را به خود نمی‌دهند که چیزی خلاف سیاست‌های ابرقدرت‌ها بر زبان جاری کنند. البته این وضعی بود که در دوران پهلوی هم بر ایران حاکمیت داشت و این گونه بود که وقتی امریکا خواستار تصویب قانون کاپیتولاسیون در ایران شد، شاه پهلوی نه تنها با آن مخالفت نکرد بلکه از آن حمایت کرد. تا آنجا که می‌گویند برای تصویب کاپیتولاسیون نمایندگان مجلس سنا را در ایام تعطیلات تابستانی‌شان برای تشکیل جلسه احضار کردند و با برگزاری جلسه‌ای شبانه آن را پیش از تصویب در مجلس شورای ملی در سنا به تصویب رساندند. به همین دلیل به یقین باید استقلال و آزادی را از دستاوردهای مهم انقلاب دانست. دستاورد دیگر، جهش علمی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بخصوص پس از پایان دفاع مقدس پدیدار شد. یک زمانی در سال ۱۳۲۸ سپهبد رزم آرا به‌عنوان نخست‌وزیر در واکنش به تلاش برای ملی شدن صنعت نفت گفته بود که «ما که یک لولهنگ (آفتابه) هم نمی‌توانیم بسازیم چطور می‌خواهیم صنعت نفت را ملی و پالایشگاه را اداره کنیم»، انگلیسی‌ها هم گفته بودند که اگر ما از ایران برویم آبادان در خاموشی فرو خواهد رفت. البته درهمان سال‌ها هم نفت ملی شد و نه آبادان در تاریکی رفت و نه پالایشگاه از کار بازماند. این نشان می‌داد که ما توان بالقوه را برای پیشرفت علمی داشتیم اما چنان که باید آن توان بالفعل نشده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بخصوص در دهه‌های اخیر با توصیه‌های شدید و اکید رهبر معظم انقلاب بر توسعه علمی ما در این زمینه رشد چشمگیری داشتیم و در خیلی از فناوری‌های پیشرفته دنیا اگر در میان چهار کشور اول نباشیم حتماً در شمار ۱۰ کشور برتر دنیا قرار داریم. این جهش علمی خود می‌تواند زمینه ساز توسعه و پیشرفت در بسیاری از زمینه‌های دیگر باشد و به‌همین دلیل هم دشمنانی سعی دارند تا ما را با تحریم از پیشرفت باز بدارند. تا آنجا که ما را در استفاده از مقالات علمی در کتابخانه‌های دنیا تحریم کرده‌اند. جز این دو، بی‌شک باید به دستاوردهای دیگری همچون توسعه صنایع نظامی و موشکی و تقویت توان دفاعی کشور و امنیت اجتماعی اشاره کرد؛ دستاوردهایی که سبب شده در این شرایط متلاطم خاورمیانه، کشور ایران از حیث امنیت داخلی و خارجی در شرایطی باشد که برای بسیاری از کشورهای پیرامونی اش غبطه برانگیز است.

اما انقلاب اسلامی باوجود همه این ثمرات با آسیب‌هایی نیز مواجه بوده است. نخستین آسیب مهم به باورم رسوخ نوعی غربگرایی لیبرالی و سکولار است که سبب می‌شود ما هویت مستقل خودمان را از دست بدهیم. این در حالی است که لیبرالیسم و فردگرایی برآمده از آن و فقدان عدالت اجتماعی در خود کشورهای غربی مشکل ساز شده است. این غربگرایی آسیب‌های فرعی را نیز بر جامعه مترتب می‌سازد. زیرا به‌دنبال آن قارون‌گرایی کسانی که اختلاس‌های میلیاردی می‌کنند و اشرافی‌گرایی کسانی که در سطوح پایین‌تر تلاش می‌کنند فراتر از توان روزی حلال خود زندگی کنند جامعه را تهدید می‌کند و آن را به جامعه‌ای چندقطبی و طبقاتی تبدیل می‌کند. این آسیبی است که علاوه بر به جا گذاشتن تأثیرات مخرب در اقتصاد و سیاست، فرهنگ چند هزار ساله ایران و هویت ملی و مذهبی مردمش را نیز تهدید می‌کند. آسیب دیگری که روند حرکت انقلاب اسلامی ایران را تهدید می‌کند، کم توجهی به عدالت اجتماعی است. متأسفانه ما از عدالت محوری که در روزهای انقلاب و سال‌های اولیه پس از پیروزی مطرح بود، فاصله گرفته‌ایم و کم کردن از این فاصله ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای حفظ نظام برآمده از انقلاب اسلامی است.